

علل شکست پروژه تولید واکسن داخلی

- شروع معلوم نیست کی به مقصد برسند؟ و اصولاً بتوانند واکسن مورد نیاز کشور را تامین کنند
- چون برکت در صنعتی کردن تولید واکسن خود شکست خورد
 - چون تولید واکسن اسپوتنیک روسی و واکسن کوبایی آغاز نشد
 - چون ...
 - چون...

علت این اتفاقات تلخ چه بود؟

به نظر من ترکیبی از سو مدیریت، کندی در عملیات تحقیق و تولید، عقب ماندگی از نظر فناوری، زبده نبودن نیروهای محقق و تولیدگر، آماده نبودن زیر ساخت ها، سو مدیریت شدید و تسلط کوتوله ها و ابلهان بر صنعت تحقیق و تولید واکسن در کشور، کارشکنی سازمان ها در کار یکدیگر، تحریم ها، کمبود منابع مالی، نبود یک مرکزیت قوی رهبری تحقیق و تولید، انزوای نخبگان و علل مشابه مهمترین علل شکست تولید واکسن داخلی محسوب می شود.

چرا سیستم پزشکی و ساختار تحقیق و توسعه کشور نتوانست به موقع واکسن مورد نیاز کشور را تامین کند؟ چرا پروژه تولید واکسن داخلی علی رغم گذشت نزدیک به دو سال اینگونه در گل گیر کرد و شکست خورد؟ این همه سازمان و موسسه تحقیقاتی کی باید به درد این کشور بخورند؟ موسسه رازی کی باید به درد مملکت بخورد؟ انستیتو پاستور با این قدمت یکصد ساله کی باید به درد کشور بخورد؟

چرا ساختارهای نیمه خصوصی مثل سیناژن هم نتوانستند در کارزار مقابله با واکسن موفق شوند؟ چرا موسسه رازی یک دوز واکسن یا یک کیت تشخیصی یا حتی یک بطری الکل برای ضد عفونی سطوح نتوانست تولید کند؟ امروز ۲۰ مرداد ۱۴۰۰، جهانپور اعلام کرد که مصوب شده ظرف سه ماه، ۱۲۰ میلیون دوز واکسن از خارج وارد شود؟ چرا؟

- چون فاز سه کارفرمایی بالینی واکسن موسسه رازی و فخرا و سیناژن هنوز شروع نشده و به فرض

برای هر یک نیز مصداق‌هایی وجود دارد که ذکر آن این نوشته را مطول می‌کند؛

وزارت بهداشت موفق به وحدت فرماندهی نشد. این وزارت خانه فاقد یک رجل دانشمند قدرتمند در راس سازمان غذا و دارو و معاونت تحقیقاتی خویش بود تا همه تلاش‌ها را یک کاسه کند. این وزارت خانه دارای یکی از شدیدترین و وحشتناک‌ترین بروکراسی‌های اداری است به نحوی که انگار رسالتی جز شکست تلاش‌های تحقیق و توسعه در صنعت تولید کشور برای خود قایل نیست.. وزیر با نمک آن را حتی معاونانش نیز قبول نداشتند چه برسد به صاحبان غول‌های تحقیق و توسعه کشور. اگر بجای ۷ واکسن روی دو واکسن سرمایه گذاری می‌شد، شاید حصول نتیجه بهتر بود ولی هیچکس در این مملکت دیگری را قبول ندارد. وقوع پدیده مرگ سازمانی که سال‌ها قبل زنگ آن در کشور نواخته شد سبب شده تا جزیره‌های متعدد و بی ارتباط با هم از مراکز تحقیق و توسعه در کشور ایجاد شود که انگار هر یک دشمن دیگری است. برون ده این جزایر ضعیف هم هیچ است .. هیچ یعنی هیچ.. صفر

ما در بیست سال اخیر، هرگز نخواستیم در قالب یک ابرسازمان بزرگ تحقیقاتی با یکدیگر همکاری کنیم... صاحبان این ایده‌های بزرگ را منکوب و منزوی کردیم و به جای آن مغزهای بزرگ و باخرد مشتی شبه رجاله فرصت طلب عالم نما را جایگزین کردیم.. حالا دود همه این سو مدیریت‌ها و ناهماهنگی‌ها به چشمان خودمان و فرزندان و دوستانمان می‌رود و باید پیکرهای بی‌جان عزیزانمان را با اشک و ناله در آغوش بگیریم و بر عاملان و بانیان آن که خودمان هستیم لعنت کنیم...

ما خودمان مقصریم که به طمع اشغال میزها و مناصب و دسترسی به حقوق‌های نجومی، از روی پیکر دانشمندان و مدیران دلسوز و با کفایت خود گذر کردیم و گله‌های گرگان را برای پاره پاره کردن پیکرهای پاکشان به سوی آنها گسیل داشتیم....

ما خیلی بد کردیم...

بیست مرداد ۱۴۰۰